

پایان زمین، از مجموعه شعر "دو هستی من"

نویسنده: دکتر پرویز آرزو | تاریخ انتشار: 2026/06/06



پایان زمین...

چون سیب کرم خورده، زمین روزی
از شاخ کھکشان به زمین افتد

از سیب چرخ خورده سرگردان
کرم است کز یسار و یمین افتد

هم کرم های کوچک خشک اندام
هم آن جناب چاق ترین افتد

هم کرم های کوچۀ بی نانی
هم کرم شاه کاخ نشین افتد

با کرم‌های سرخ و سیاه آن روز
تاریخ دردهای زمین افتد

یک عده با سلاح اتم، بخشی
با داغ جنگ‌ها به جبین، افتد

از «پنج عضو دایم» دنیاخوار
آن روز کرم بیش‌ترین افتد

هم ممکن است بیش‌ترین کرم از
اقلیم‌های شیخ‌نشین افتد

آن‌گه شهاب کوچک سرشوخی
بر روی کرم‌های حزن افتد

آری زمین به علت بیماری
از بطن آسمان چو جنین افتد

این سیب کرم‌خورده به خود لرزد
وقتی به فکر روز پسین افتد

ای کهکشان! تو اسب فریبایی
آدم چو موریانه ز زین افتد

آبی تکان نمی‌خورد از آبی
بر پینک زمانه نه چین افتد...

دکتر پرویز آرزو - از مجموعه شعر "دو هستی من"